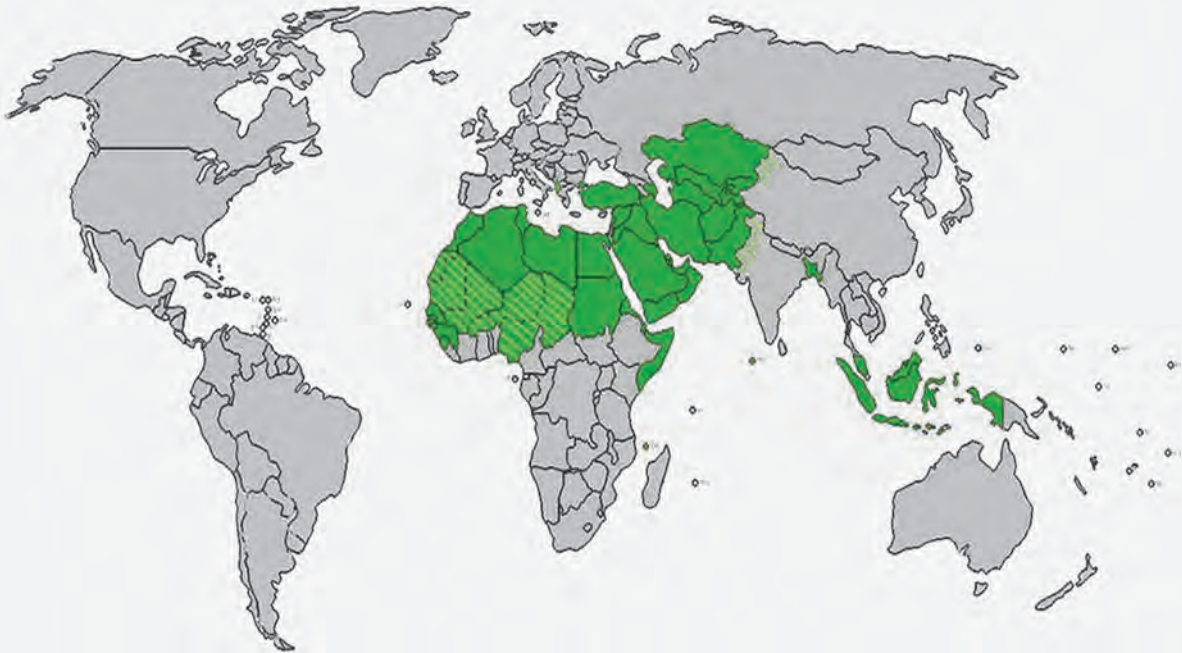




الدَّرْسُ الثَّانِي



العَالَمُ الْإِسْلَامِيَّ جِهَانِ اسْلَامِي



الدَّرْسُ الثَّانِي

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۳۲ کلمه جدید)

خالی	فَارِغٌ	قیمت ها «مفرد: سِعْرٌ/ = قِیمَة»	ج مکسر اَسْعَار
توانست	ف ماضی قَدَرَ	کرایه، اجاره	إيجار
گویا، انگار	كَأَنَّ	کارت شناسایی	بِطَاقَةُ الْهُويَّةِ
پنهان کرد	ف ماضی كَتَمَ	تخفیف	تَخْفِيفٌ
همه، هر کل+اسم ال دار= همه	كُلٌّ	یاد گرفتن	مصدر تَعَلَّمَ
هر کل+اسم مفرد تنوین دار= هر كُلُّ الرَّجَالِ: همه مردان كُلُّ رَجُلٍ: هر مردی		قرار داد	ف ماضی جَعَلَ
اشکالی ندارد	لَا بَأْسَ	آهنگر	حَدَادٌ
آشکار، آشکارکننده	مُبِينٌ	بسیار خوب	حَسَنًا
مشخص	مُحَدَّدٌ	زنده باشی	حَيَاكَ اللَّهُ
آسانسور	مِصْعَدٌ	پنجم عدد اصلی: خَمْسَة (پنج)	عدد ترتیبی اَلْخَامِسُ
سازمان	مُنْتَظِمَةٌ	نانوا	حَبَّازٌ
مُنْتَظِمَةُ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ: سازمان ملل متحد		ج مکسر مفردش سَرِير: تخت دارای سه تخت	ذَاتُ ثَلَاثَةِ أَسْرَةٍ
		خسته نباشی	سَاعِدَكَ اللَّهُ
آمیخته	مَمْرُوجٌ	طبقه ها طبقه «جمع طَوَابِقُ»	طَابِقٌ
از طرف	مِنْ قِبَلٍ	غذا «جمع: أَطْعِمَة» ج مکسر	طَعَامٌ
می خواهیم	نُرِيدُ	جهان	عَالَمٌ
متن ها «مفرد: نَصٌّ»	عالمیة: جهانی، بین المللی ج مکسر نصوص	عَالَمِيَّةٌ: جهانی، بین المللی عَالَمِيَّةٌ: جهانیان	
ممکن است	يُمْكِنُ	دارید، نزد شما	عِنْدَكُمْ

عالم : دانشمند
عالم: جهان

أَهْمِيَّةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ لِأَنَّنا نَجْحَنَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ وَقَادِرُونَ عَلَى سِياس و ستایش برای الله، پروردگار جهانیان زیرا ما موفق شدیم در سال گذشته و قادر به خواندن قِرَاءَةِ الْعِبَارَاتِ وَ النَّصُوصِ الْبَسِيطَةِ. عبارات ها و متن های ساده هستیم.

نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَى تَعَلُّمِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ، لِأَنَّها لُغَةُ دِينِنَا. وَ اللُّغَةُ الْفَارْسِيَّةُ مَمْزُوجَةٌ ما نیازمند به یادگیری زبان عربی هستیم، زیرا آن زبان دین ما است، و زبان فارسی با آن بسیار آمیخته شده است بها کثیراً.

إِنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مِنَ اللُّغَاتِ الْعَالَمِيَّةِ.

قطعا زبان عربی از زبان های بین المللی است

الْقُرْآنُ وَ الْأَحَادِيثُ ﴿بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ﴾.

قران و احادیث به زبان عربی آشکار است

الْعَرَبِيَّةُ مِنَ اللُّغَاتِ الرَّسْمِيَّةِ فِي مُنْظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.

عربی از زبان های رسمی در سازمان ملل متحد است

الْأِيرَانِيُّونَ حَسَبُوا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ كَثِيرًا. «الْفَيْرُوزْآبَادِيُّ» كَتَبَ مُعْجَمًا فِي

ايرانیان به زبان عربی بسیار خدمت کرده اند. فیروز آبادی لغت نامه ای به زبان عربی به نام القاموس المحيط

اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ اسْمُهُ «الْقَامُوسُ الْمُحِيطُ»، وَ «سَبْيُوهُ» كَتَبَ أَوَّلَ كِتَابٍ كَامِلٍ

نوشته نوشته است. و سبویه اولین کتاب کامل مربوط به قواعد زبان عربی به اسم الكتاب را نوشته است

فِي قَوَاعِدِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ اسْمُهُ «الْكِتَابُ».



أَكْثَرُ أَسْمَاءِ الْوَالِدِ وَالْبَنَاتِ فِي الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ عَرَبِيٌّ.

بیشتر اسم های پسران و دختران در جهان اسلامی عربی است

الْكَلِمَاتُ الْعَرَبِيَّةُ، كَثِيرَةٌ فِي الْفَارْسِيَّةِ وَهَذَا بِسَبَبِ احْتِرَامِ الْإِيرَانِيِّينَ لِللُّغَةِ الْقُرْآنِ.

کلمات عربی در زبان فارسی بسیار است و این بدلیل احترام ایرانی ها به زبان قرآن است

أَنَا أَعْرِفُ مَعْنَى كَلِمَاتٍ كَثِيرَةٍ وَأَذْكَرُ كُلَّ كَلِمَاتِ السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ وَأَقْدِرُ عَلَى

من معنی کلمه های زیادی را می دانم و همه کلمه های سال گذشته را به یاد می آورم و میتوانم متن های ساده را بخوانم

قِرَاءَةِ النَّصُوصِ الْبَسِيطَةِ. جَاءَ فِي الْأَمْثَالِ:

در مثل ها آمده است

«الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ».

علم در خردسالی ، مانند نقش بر روی سنگ است

يَا أُخِي، أَتَعْرِفُ مَعْنَى كَلِمَاتِ الْكِتَابِ الْأَوَّلِ أَيْضًا؟

ای برادرم آیا معنی کلمه های کتاب اول را هم می دانی؟

يَا أُخْتِي، أَتَفْهَمِينَ مَعْنَى الْآيَاتِ وَالْأَحَادِيثِ السَّهْلَةِ؟

ای خواهرم، آیا معنی آیه ها و حدیث های آسان را می فهمی؟



فرمول ساخت مضارع

یک از حروف آت پ ن ریشه فعل + شناسه

فعل مضارع

أ + فعل + ة
ت + فعل + ة
ت + فعل + ين

انجام می دهی انجام می دهم

أَفْعَلُ الْمُضَارِعُ ← (أَفْعَلُ)، (تَفَعَّلُ، تَفَعَّلِينَ)



أَنَا أَكْتُبُ بِالْقَلَمِ الْأَحْمَرِ.

من با قلم قرمز می نویسم

أَنَا أَكْتُبُ بِالْقَلَمِ الْأَسْوَدِ.

من با قلم سیاه می نویسم









أَنْتِ تَحْفَظِينَ الْقُرْآنَ بِدِقَّةٍ.
تو قرآن را با دقت حفظ می کنی.



أَنْتَ تَحْفَظُ الْقُرْآنَ جَيِّدًا.
تو قرآن را به خوبی حفظ می کنی.

سال گذشته با فعل ماضی آشنا شدید. فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت دارد. امسال با فعل مضارع آشنا می شوید. فعل مضارع بر زمان حال و آینده دلالت می کند. به مقایسه فعل های عربی و فارسی توجه کنید.

ترجمه	فعل مضارع	ترجمه	فعل ماضی
من انجام می دهم.	أَنَا أَفْعَلُ.  اوّل شخص مفرد (متکلم وحده)	من انجام دادم.	أَنَا فَعَلْتُ.  اوّل شخص مفرد (متکلم وحده)
تو انجام می دهی.	أَنْتَ تَفْعَلُ.  دوم شخص مفرد (مفرد مذکر مخاطب)	تو انجام دادی.	أَنْتَ فَعَلْتَ.  دوم شخص مفرد (مفرد مذکر مخاطب)
	أَنْتِ تَفْعَلِينَ.  دوم شخص مفرد (مفرد مؤنث مخاطب)		أَنْتِ فَعَلْتِ.  دوم شخص مفرد (مفرد مؤنث مخاطب)

بیشتر کلمه‌هایی که بر آهنگ «فَعَلَ، فَعِلَ و فَعُلَ» هستند، فعل ماضی‌اند و اگر

بر سر آنها یکی از حروف «أ، ت، ي، ن» بیاید، به فعل مضارع تبدیل می‌شوند؛

مثال: ذَهَبَ ← أَذْهَبُ، تَذْهَبُ، تَذْهَبِينَ

مانند مثال ترجمه کنید.

می‌روم	أَذْهَبُ	رفتم	ذَهَبْتُ	أنا
می‌سازم	أَصْنَعُ	ساختم	صَنَعْتُ	أنا
می‌دانی	تَعْلَمُ	دانستی	عَلِمْتَ	أنتَ
می‌کاری	تَزْرَعُ	کاشتی	زَرَعْتَ	أنتَ
می‌شناسی	تَعْرِيفِنَ	شناختی	عَرَفْتَ	أنتَ
قبول می‌کنی	تَقْبَلِينَ	قبول کردی	قَبِلْتَ	أنتَ

الْتَّمَارِين

١ الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

با مراجعه به متن درس، جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

درست نادرست

١. قَلِيلٌ مِنْ أَسْمَاءِ الْأَوْلَادِ وَ الْبَنَاتِ فِي الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ عَرَبِيٌّ. کمی از اسم‌های پسران و دختران در جهان اسلامی عربی است
٢. كَتَبَ سَبْيُوِيَهْ أَوَّلَ كِتَابٍ كَامِلٍ فِي قَوَاعِدِ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ. سبوییه اولین کتاب کامل مربوط به زبان فارسی را نوشته است
٣. كَتَبَ الْفِيْرُوْزْآبَادِيُّ مُعْجَمًا فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. فیروزآبادی لغت نامه ای به زبان عربی نوشته است
٤. الْإِيْرَانِيُّوْنَ حَدَمُوْا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ قَلِيْلًا. ایرانی‌ها به زبان عربی کم خدمت کردند

فعل های مضارعی که با **ا** شروع می شوند و به **ه** ختم می شوند برای ضمیر **انا** هستند
 فعل های مضارعی که با **ت** شروع می شوند و به **ه** ختم می شوند برای ضمیر **انت** هستند
 فعل های مضارعی که با **ت** شروع می شوند و به **ین** ختم می شوند برای ضمیر **انت** هستند

التَّامِرِينَ الثَّانِي:



ترجمه کنید.



يَا سَيِّدَةً، مَاذَا تَفْعَلِينَ؟
 أَقْرَأُ آيَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ.

ای خانم، چه کار می کنی
 آیاتی از قرآن را می خوانم

يَا وَكِدُّ، مَاذَا تَفْعَلُ؟
 أَنْظُرُ إِلَى صُورَةٍ.

ای پسر چه کار می کنی
 به عکس نگاه می کنم



أَتَذْهَبِينَ مَعَ أُخْتِكِ؟
 لَا؛ أَذْهَبُ مَعَ صَدِيقَتِي.

آیا با خواهرت می روی؟
 نه، با دوستم می روم

هَلْ تَصْنَعُ كُرْسِيًّا؟
 لَا؛ أَصْنَعُ مِئْزَةً.

آیا صندلی می سازی
 نه، میز می سازم

۳ التَّمَرِينُ الثَّلَاثُ:

هر کلمه را به توضیح مرتبط با آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است».

الْأُمَّهَاتُ مادران	بَلَاءُ الْإِنْسَانِ فِيهِ: بلاي انسان در آن است
اللِّسَانُ زبان	مَوْتُ الْأَحْيَاءِ: مرگ زندگان
الْجَهْلُ نادانی	نِصْفُ الدِّينِ: نصف دین
حُسْنُ الْخُلُقِ خوش اخلاقی	الْوَقْتُ مِثْلُهُ: وقت مثل آن است
الْجُنْدِيُّ سرباز	الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِهِنَّ: بهشت زیر پاهایشان است
الذَّهَبُ طلا	

۴ التَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

ترجمه کنید؛ سپس فعل ماضی و مضارع را مشخص کنید.

۱. هُرِّجْنَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا ﴿۳۰﴾ الْأَنْبِيَاءُ:

و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم

۲. أَنْتَ قَبِلْتَ كَلَامَ وَالِدِكَ وَ الْآنَ تَعْمَلُ بِهِ.

مضارع

ماضی

تو قبول کردی سخن پدرت را و الان به آن عمل می کنی

۳. أَنْتِ حَفِظْتِ سُورَةَ النَّصْرِ وَ الْآنَ تَحْفَظِينَ سُورَةَ الْقَدْرِ.

مضارع

ماضی

تو حفظ کردی سوره نصر را و الان سوره قدر را حفظ می کنی

۴. أَنَا دَخَلْتُ الصَّفِّ الثَّامِنَ وَ أَنْتِ تَدْخُلِينَ الصَّفِّ الْخَامِسَ.

مضارع

ماضی

من به کلاس هشتم وارد شدم در حالی که تو به کلاس پنجم وارد می شوی

۵ التَّمَرِينُ الْخَامِسُ:

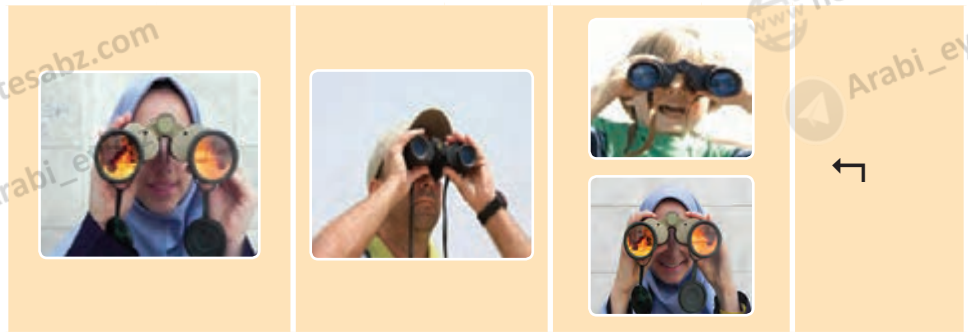
گزینۀ مناسب را انتخاب کنید.

۱. أَأَنْتِ الْبَابَ قَبْلَ دَقِيقَتَيْنِ؟
آیا تو دو دقیقه پیش در راه کوئیدی؟
۲. أَنَا عَنْ طَرِيقِ الْجَنَّةِ فِي حَيَاتِي.
من در زندگی ام دنبال راه بهشت می گردم.
۳. يَا حَدَادُ، أَأَنْتِ فِي الْمَصْنَعِ أَمْسِ؟
ای آهنگر، آیا تو دیروز در کارخانه کار کردی؟
۴. يَا أُخْتِي، هَلْ الطَّعَامَ قَبْلَ دَقِيقَةٍ؟
ای خواهرم، آیا دو دقیقه پیش غذا خوردی؟
۵. أَأَنْتِ بِجَمْعِ الْفَوَاكِهِ بَعْدَ يَوْمَيْنِ؟
آیا تو بعد از دو روز به جمع آوری میوه ها شروع می کنی؟
۶. أَيُّهَا الْجَبَّازُ الْمُحْتَرَمُ، هَلْ بَعْدَ دَقَائِقِ؟
ای نانواى محترم، آیا بعد دقایقی کار می کنی؟

- کوبیدی می کوئی
- طَرَقْتُ ○ طَرَقْتُ ○
- کشتیم می گردم
- بَحَثْنَا ○ أَبَحَثْتُ ○
- کار کردی کار می کنی
- عَمَلْتُ ○ تَعْمَلِينَ ○
- خوردی نوشیدی
- أَكَلْتُ ○ شَرَبْتُ ○
- شروع کردی شروع می کنی
- بَدَأْتُ ○ تَبَدَّأْتِينَ ○
- کار می کنی کار می کنی
- تَعْمَلُ ○ تَعْمَلِينَ ○

۶ التَّمَرِينُ السَّادِسُ:

مانند مثال ترجمه کنید.



نَظَرَ: نگاه کرد	أَنْظُرُ	نگاه می کنم	تَنْظُرُ	نگاه می کنی	تَنْظُرِينَ	نگاه می کنی
سَأَلَ: پرسید	أَسْأَلُ	می پرسم	تَسْأَلُ	می پرسی	تَسْأَلِينَ	می پرسی
سَمَحَ: اجازه داد	أَسْمَحُ	اجازه می دهم	تَسْمَحُ	اجازه می دهی	تَسْمَحِينَ	اجازه می دهی
ذَكَرَ: یاد کرد	أَذْكُرُ	یاد می کنم	تَذْكُرُ	یاد می کنی	تَذْكُرِينَ	یاد می کنی

در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید. «پاسخ کوتاه کافی است».



أنا بخير	كَيْفَ حَالِكِ؟	حالت چطور است؟
اسمى محمد / اسمى مريم	مَا اسْمُكِ؟	اسمت چیست؟
أنا طالبٌ / أنا طالبة	مَنْ أَنْتِ؟	تو کیستی؟
فى البيت	أَيْنَ أَنْتِ؟	تو کجایی؟
لا، انا من أردبیل / نعم، انا من كرج	هَلْ أَنْتِ مِنْ كَرْجِ؟	آیا تو اهل کرج هستی؟

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. لِكُلِّ شَيْءٍ طَرِيقٌ وَطَرِيقُ الْجَنَّةِ الْعِلْمُ. رسول الله ﷺ

هر چیزی راهی دارد و راه بهشت علم است

۲. الْعِلْمُ أَفْضَلُ مِنَ الْعِبَادَةِ. رسول الله ﷺ

علم برتر از عبادت است

۳. زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ. الإمام علي عليه السلام

زکات علم منتشر کردن آن است

۴. مَنْ سَأَلَ، عَلِمَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هر کسی پرسد، می داند

۵. مَنْ كَتَمَ عِلْمًا، فَكَأَنَّهُ جَاهِلٌ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هر کس علمی را پنهان کند، گویی او نادان است

چه وبگاه (سایت) یا وبلاگ مناسبی در زمینه آموزش زبان عربی می شناسید؟



الأربعينيات

اجاره اتاق در کربلاء إيجارُ العُرْفَةِ في كَرْبَلَاءَ

- حَيَّاكَ اللهُ! زنده باشی
- نَعَمْ؛ عِنْدَنَا فِي الطَّابِقِ الرَّابِعِ.
بله، در طبقه چهار داریم
- لَا؛ مَا عِنْدَنَا، لَكِنْ، الْمِصْعَدُ مَوْجُودٌ.
نه نداریم، ولی آسانسور هست
- لَا بَأْسَ؛ هَذَا مِفْتَاحُ العُرْفَةِ.
عیبی نداره، این کلید اتاق است
- أَمَامَكَ لَوْحَةٌ الْإِيجَارَاتِ.
تابلو اجاره ها جلوته
- لَا؛ لِأَنَّ الْأَسْعَارَ مُحَدَّدَةً مِنْ قِبَلِ الْحُكُومَةِ.
نه، زیرا قیمت ها از سوی دولت مشخص شده است
- كَمْ لَيْلَةً أَنْتُمْ فِي كَرْبَلَاءَ؟
چند شب در کربلا هستید؟
- أَيْنَ بَطَاقَاتُ هُويَاتِكُمْ؟
کارت های شناسایی شما کجاست؟

- سَاعَدَكَ اللهُ! خدا قوت

- هَلْ عِنْدَكُمْ عُرْفَةٌ فَارِعَةٌ ذَاتُ ثَلَاثَةِ أَسْرَةٍ؟
آیا اتاق خالی سه تخته داری؟
- أَمَا عِنْدَكُمْ فِي الطَّابِقِ الْأَوَّلِ؟
آیا در طبقه اول نداری؟
- حَسَنًا، نُرِيدُ رُؤْيَةَ العُرْفَةِ.
باشه، میخوایم اتاق را ببینیم
- كَمْ إِيجَارُهَا؟
اجاره اش چند است؟
- هَلْ يُمَكِّنُ التَّخْفِيفُ؟
آیا امکان تخفیف هست؟
- ثَلَاثَةٌ لَيَالٍ.
سه شب
- هَذِهِ بَطَاقَاتُنَا. این کارت هایمان است

